

شنبه‌های چالشی روزنامه صبا؛  
تریونی آزاد برای اهالی فرهنگ و هنر

# بازگشت یا حذف سلبریتی‌ها مساله این است!

پگاه زارعی  
گفت و گو

در روزهای گذشته، اخباری مبنی بر بازگشت دو هنرمند کشور از جمله محمدرضا گلزار و رضا رشیدپور به برنامه‌های تلویزیونی منتشر شد و تهیه‌کنندگان آن نیز این اخبار را تایید کردند. همچنین نام‌های دیگری از هنرمندان چهره به میان آمد و گویی بنا بر آن شد که تعدادی از سلبریتی‌ها طبق روال گذشته در تلویزیون به اجرا پردازند. پس از انتشار این اخبار حواشی و واکنش‌های جنجالی رخ داد و در ادامه آن محمدرضا شهبازی مجری برنامه‌های تلویزیونی، استعفاي خود را از برنامه «پاورقی» اعلام و با انتشار ویدئویی از خود در صفحه مجازی به بازگشت به اصطلاح سلبریتی‌ها اعتراض کرد. همچنین رضا رشیدپور پیرو این اتفاقات نیز در صفحه شخصی خود اعلام کرد که از اجرای فصل جدید برنامه «سیم آخر» انصراف می‌دهد و بازگشت خود را به زمان بهتری موکول می‌کند. همه این اخبار و حواشی دست به دست هم داد تا شائبه‌هایی بوجود آید.

با توجه به این اتفاقات، روزنامه صبا بنا را بر این گذاشت تا در چالش این هفته خود پی‌گیر مواضع اهالی رسانه و هنر در این باره شود تا در این تریون آزاد از نظرات بی‌پرده آنان مطلع شویم. نظراتی که می‌تواند برای مخاطبان فهیم و دغدغه‌مند روزنامه صبا قابل‌تامل باشد. در ابتدای پرونده این هفته یادداشتی از محسن سوهانی مدیر کل هنرهای نمایشی رادیو و مدیر رادیو نمایش را به عنوان مقدمه می‌خوانید.

**محسن سوهانی (مدیر کل هنرهای نمایشی رادیو):**

**کسانی که به بهانه خالص‌سازی حذف می‌کنند بزرگترین آفت هستند**

مولیر، نمایشنامه‌نویس شهر قرن هفدهم فرانسه، اثری دارد: به نام «بورژوازی اشراف منش». نمایشی کمدی-موزیکال درباره یک تاجر پارچه فروش سرمایه‌دار اما کم‌سواد، سطحی و ساده‌لوح به نام موسیو ژوقدان که دوست دارد بر اساس معیارهای ظاهری و تجملی به عنوان اشراف زاده‌ای متشخص شناخته شود. با نگاهی جامعه‌شناختی، در این زمانه نیز می‌توان موسیو ژوقدان را نمادی از یک پدیده، ناشی از آسیب‌های فرهنگی نظام سرمایه‌داری و رشد و توسعه نامتوازن تعبیر کرد.

واژه بورژوازی ریشه آلمانی بورگ (Burg) به معنی قلعه گرفته شده است و در توصیف بالانشین‌ها و طبقه مرفه به کار می‌رود. سلبریتی‌ها و چهره‌های پر طرفدار صنعت سرگرمی نیز در مقام الگوهای اثر بخش فرهنگ‌ساز، به معنایی بورژوا یا بالانشین فرهنگی محسوب می‌شوند. در کوران تهدید جهانی شدن (Globalization)، مرگ هویت ملی و اصالت فرهنگی، سرنویشت محتوم مردمانی است که رشد و پیشرفت را در تقلید کورکورانه از فرهنگ وارداتی و سبک زندگی بیگانه ببینند.

اما آن روی دیگر سکه، می‌توان بر اسطوره یونانی «پروکروستس» تاملی نمادین داشت: راهزنی غول‌پیکر که رهگذران بی‌نوا را روی تخته‌ای می‌خواباند. اگر از طول آن کوتاه‌تر بودند آن قدر بخت برگشتگان را می‌کشید یا بدنشان را بر روی سندان با چکش می‌کوبید تا هم قد تخت شوند و اگر بلندتر بودند از پاهای شان می‌برد تا به اندازه درآیند.

«سندرم پروکروستس» به عنوان تمثیل برای توصیف شرایطی به کار می‌رود که یک استاندارد سلیقه‌ای به طیف‌های گوناگون رنگین کمان جامعه تحمیل شود.

تفکر تکفیری و گروهکی نظیر داعش نمونه‌ای از آثار این سندرم

است.

آنان که با ظاهر و ادعای انقلابی‌گری، گفتمان فراگیر انقلاب اسلامی را تا سطح سلیقه‌های شخصی و گاه سطحی خود تقلیل داده، قلدرا بانه به ستیز با طیف‌های مختلف سلیقه‌های اجتماعی بر می‌خیزند و به بهانه خالص‌سازی حذف می‌کنند، بزرگترین آفت، مانع تمدن‌سازی نوین و رشد متوازن گفتمان انقلاب اسلامی در عصر جدید به شمار می‌روند. خصوصاً اگر در حوزه‌های تخصصی فرهنگ، ارتباطات و رسانه (قدرت نرم) بر این خر شیطان سوار گردند و با نعل وارونه شیپور را از سر گشادش بزنند.

جامعه به جعبه‌ای مدارنگی با طیف‌های وسیع و سلیقه‌های گوناگون می‌ماند. در معادلات قدرت نرم، هنر نه نگاه صفر و یک رادیکال مشرب، بلکه تلاش هوشمندانه و نسبی برای جذب و هدایت سیاه‌ترین طیف‌ها به سمت سفیدی و روشنائی است.

خیرالامور اوسطها. در فلسفه اخلاق قاعده‌ای از قدمای یونان نقل شده است که حکمای اسلام هم آن را پذیرفته‌اند: فضیلت فاصله میان دو رذیلت است.

باید توجه داشت که در منظومه تمدن‌سازی نوین: «توازن»، شاه کلید حکمرانی، توسعه و پیشرفت به شمار می‌رود. خصوصاً میان ایدئولوژی و تکنولوژی؛ تعهد و تخصص؛ گفتمان انقلاب و علم (ارکان تخصصی حوزه‌های مختلف علوم پایه، محض، انسانی و اجتماعی).

**مهدي علینقی پور (تهیه کننده):**

**فردی که وارد رسانه می‌شود باید پروتکل آن را بپذیرد**

تلویزیون و هر رسانه دیگری با مخاطب زنده است و در همین راستا هنرمندانی بوده‌اند که نشان دادند در جذب مخاطب موفق هستند. باید به این نکته توجه داشته باشیم که در سیاست حذف این هنرمندان به راحتی نمی‌توان افراد دیگر را تربیت کرد و بر سر کار گذاشت چرا که شاخصه‌هایی وجود دارد و نمی‌توان در عرض مدتی کوتاه یک فرد محبوب و موفق را تربیت کرد. ما شاهد افراد

بسیاری بودیم که نتوانستند موفق شوند و به هر حال افرادی که نیز موفق بودند با پول تلویزیون به چهره‌ای شاخص تبدیل شدند و حذف این‌ها یعنی آن رسانه به سرمایه خود احتیاج ندارد. به نظر من بهره‌گیری از سلبریتی‌ها و چهره‌های مردمی به سیاست تلویزیون مربوط است و افراد مذکور در اخبار اخیر خارج از چارچوب نبوده‌اند. البته که می‌بایست نظارتی جدی صورت گیرد و بدین صورت نباشد که هر کسی هر آنچه می‌خواهد بگوید. به اعتقاد من موضع‌گیری‌های بیرونی برخی دوستان این چالش‌ها را در سال گذشته ایجاد کرده است و تصور این است که در هر جای دنیا پرتکل‌هایی وجود دارد، حال اینکه این پروتکل اینجا رعایت می‌شود یا نه را نمی‌دانم ولی باید رسانه ملی دارای آن پروتکل باشد و طرفی هم که وارد آن رسانه می‌شود باید آن پروتکل را بپذیرد. تصمیم به بازگشت این دوستان اتفاق بهتری است تا حذف آنان و اگر طبق آمار هم بخواهیم بررسی کنیم برنامه‌های تلویزیون دچار افت کیفی شدیدی شده‌اند و باید در نظر داشت این رسانه همان تلویزیون همچنان پر بیننده بود و برنامه‌های پر طرفدار داشت و برای کسی مثل من که ۲۰ سال از عمرم را در آن مجموعه گذارنده‌ام این موضوعات ناراحت‌کننده است و مشتاق هستم تا این تصمیمات اتفاقات خوبی را رقم بزند تا مخاطب مجدد با رسانه خودش آشتی کند.

**مهران مهام (تهیه کننده):**

**بالاخره باید از یک جایی شروع می‌شد**

خوب و بد این اخبار مبتنی بر بازگشت سلبریتی‌ها و یا انصراف مجریان حاضر در آن را نمی‌دانم، اما تلویزیون نیاز دارد برنامه‌های شاد و متنوع بسازد و مخاطب را در این بحران اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... به خود جذب کند. سازمان صداوسیما در برنامه‌های خود چه از نظر برنامه‌های نمایشی و یا برنامه‌های گفت و گو محور نیاز به مجریان و چهره‌هایی دارد که رگ خواب مخاطبان را در دست داشته باشند و آنقدر هم برنامه‌ها یک‌سویه و سیاسی نباشد. اکنون